

4056

الحمد لله رب العالمين

www.ketab.ir

سرشناسه	: عالمی، ابوالفضل، ۱۳۳۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: ششم محرم/ نویسنده ابوالفضل عالمی؛ ویراستار اعظم شفیعی چافی.
مشخصات نشر	: قم: کتابستان معرفت، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۲۲۷ ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	: 978-600-8460-71-8
زبان	: فارسی
موضوع	: حسینیہ حضرت ابوالفضل (ع) (دامغان)
موضوع	: تکیہ‌ها و حسینیہ‌ها -- ایران -- دامغان -- تاریخ
رده بندی کنگره	: BP۲۶۱/۲ ع ۲ ۱۳۹۷
رده بندی دیوبند	: ۲۹۷/۷۵
شماره کتابشداری	: ۵۳۴۴۴۸۹
	: Takyeh-ha va hoseyniyeh-ha -- Iran -- Damghan -- History*



عنوان: ششم محرم

نویسنده: ابوالفضل عالمی

ویراستار: اعظم شفیعی چافی، سید احمد احمدی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰

ناشر: کتابستان معرفت

صفحه آرا: موسی نجفی

طراح جلد: محمد نرگسی زاده - عکس روی جلد، نصرت الله نظم آرا

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۴۶۰-۷۱-۸

چاپ و صحافی: بوستان کتاب

لطفا نظرات خودتان را به آدرس فروش و یا ایتا ۰۹۳۹۸۵۱۵۸۶۸ یا کانال رسمی تکیه حضرت ابوالفضل (ع) دامغان ارسال فرمایید.

قیمت: ۲۱۵۰۰ تومان

ششم محرم

تاریخ نگاری تکیه حضرت ابوالفضل (ع) دامغان در صدسال اخیر

نویسندگان: ابوالفضل (ع) و همکاران

این کتاب با همکاری هیئت امنای تکیه حضرت ابوالفضل (ع) تدوین و چاپ شده است

انتشار

۱۳۹۷

تقدیم به:

عباس (ع) که پشت و پناه، تکیه‌گاه، توش و توان و زادراه حسین (ع) در مقابل دشمن بوده است.

تقدیم به:

عباس (ع) که پس از خوابیدن، چشمانی که از صلابت حضور او خواب نداشتند.

تقدیم به:

عباس (ع) که با دو بال عشق و ایمان به سوی آسمان هفتم «دنی فتلی» پر کشید و در مقام قرب حسین (ع) به منزلتی بی‌بدیل رسید و در قابی از قوس بازوان حسین (ع) مأوا گرفت.

نظر مبارک حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج سید محمود ترابی رئیس هیئت
امنای تکیه حضرت ابوالفضل (ع) در باره کتاب ششم محرم

بسم الله الرحمن الرحيم

بعد از تسبیح ثانی مداوم الهی و سلام و درود به روان پاک سالار شهیدان، حضرت اباعبدالله
الحسین (ع) یاران و اصحاب باوفای آن حضرت. روشن و بدیهی است که جایگاه معنوی و مقدس
حسینه ها بعد از جریان نهضت الهی عاشورای امام حسین (ع) مبارزه با ظلم ظالمان و دفاع از حق
مظلومان جامعه بوده و دست هر آشوراء و کل شهر محرم. این اماکن، پایگاه خوبی برای نشر
فرهنگ عاشورا و معرفی خاندان عصمت و طهارت و برپایی عزای سالار شهیدان بوده اند. در این
میان، حسینیه حضرت ابوالفضل (ع) در شهرستان دامغان همایق بارز و آشکار این گونه اماکن مذهبی
است. مردم دامغان و عزیزانی که از نزدیک با این حسینیه آشنا هستند، شاهد برکات و کرامات و
برآورده شدن حاجات فراوانی بوده و هستند. این مکان مقدس، هیچ نهاد و گروهی وابسته نیست و
تنها با بذورات مردم اداره می شود. شاید دلیل قبولی حاجات مردم، انلاص، واقف اولیه بوده که خداوند
به نیت خالص او، این همه حاجت را برآورده کرده و می کند. عمل اگر خالص، لوجه الله باشد، می ماند و
گسترش پیدا می کند.

کتاب «ششم محرم» تلاشی در جهت معرفی خدمات انجام شده و بخش کوچکی از کرامات عظیم دار
کر بلا، حضرت ابوالفضل (ع) و همچنین معرفی خادمان تکیه است. خداوند از تمامی خدمات گزاران
به ویژه واقف اولیه و خدمت گزارانی که دار فانی را وداع کرده و عزیزانی که در قید حیات هستند و
توفیق خدمت صادقانه دارند، به شایستگی قبول فرماید.

سید محمود ترابی

رمضان ۱۴۳۹ قمری برابر با ۱۳۹۷ شمسی

فهرست مطالب

۱۰	سلام و باقی آب و ادب
۱۱	مقدمه
۱۳	پیش گفتار
۱۳	عظمت حضرت ابوالفضل (ع)
۱۵	تکیه در لغات و سبک‌گیری آن در ایران
۱۵	تعریف تکیه
۱۶	تفاوت تکیه با حسینیه
۱۷	تکیه ابوالفضل (ع)
۱۹	قدمت تکیه ابوالفضل (ع)
۲۱	فصل اول
۲۱	تاریخچه تکیه تا سال ۱۳۳۰
۲۲	سنگ بنای اول
۲۲	بنای اولیه تکیه
۲۳	بازسازی و گسترش تکیه
۲۴	چهارسو
۲۵	محوطه خان
۲۶	کولی‌ها
۲۷	مسیر عبور کاروان‌ها
۲۹	جاده طرق
۳۰	زمین‌هایی که به تکیه اضافه شد
۳۱	اماکن داخل تکیه
۳۱	آبانبار
۳۱	مسجد
۳۳	طاق نما
۳۳	هیئت امنای اول
۳۵	فصل دوم
۳۵	تغییرات تکیه از سال ۱۳۳۰ تا سال ۱۳۵۷ (پیروزی انقلاب)
۳۶	هیئت سینه‌زنی
۴۰	هیئت امنای دوم

۴۲	هیئت امنای سوم
۴۲	روضه خوانی در تکیه
۴۳	نوحه خوانی در تکیه
۴۴	حمام در تکیه
۴۵	آشپزخانه
۴۵	آشپزهای تکیه
۴۶	تعداد غذا
۴۷	نوع غذا
۴۸	توزیع غذا
۴۸	شیوه طبخ غذا
۴۹	قربانی در تکیه
۴۹	سالن غذاخوری
۵۰	آبدارخانه تکیه
۵۱	سرایداری تکیه
۵۳	روایت ساخت و ساز جدید تکیه
۶۹	نقش تکیه در پیروزی انقلاب
۷۳	فصل سوم
۷۳	شرح فعالیت ها و تغییرات تکیه از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۹۶
۷۴	هیئت امنای چهارم
۷۵	اقدامات انجام شده بعد از پیروزی انقلاب:
۷۵	کار فرهنگی (کتابخانه)
۷۷	کتابخانه فعلی تکیه
۷۹	کاشی کاری کتیبه ها
۸۰	خدمت به زائران علی بن موسی الرضا (ع)
۸۱	ساخت آبدارخانه مناسب
۸۱	لوله کشی گاز
۸۲	آشپزخانه مناسب
۸۳	مشکل جوی آب
۸۴	شبکه آب و فاضلاب
۸۴	بازسازی کف تکیه
۸۴	خرید املاک دور تکیه
۸۶	املاک تکیه در حال حاضر

۸۷	 سرویس بهداشتی عمومی
۸۷	 مشکل توسعه تکیه
۸۹	 شش تکیه در پشتیبانی از انقلاب و جنگ
۸۹	 اقدامات فرهنگی
۹۱	 ۲- هـ ارتت در برگزاری مراسم شهدا
۹۱	 پشتیبانی از رزمندگان در جبهه‌ها
۹۲	 ۴- چای صلواتی
۹۳	 مراکز وابسته به تکیه
۹۳	 ۱- روستای سر قله سبز
۹۵	 ۲- مرکز سالمندان تبریز
۹۹	 ۳- زائرسرای قمر بنی هاشم
۱۰۶	 ۴- مرتع تبریزی
۱۰۷	 هیئت امنای پنجم
۱۰۷	 هیئت امنای ششم
۱۰۸	 اتفاقات شگفت
۱۲۳	 فصل چهارم
۱۲۳	 خادمان تکیه
۲۰۷	 سایر خدمت گزاران
۲۲۱	 فصل پنجم
۲۲۱	 تکیه حضرت ابوالفضل (ع) به روایت تصویر

سلام بر ساقی آب و ادب

از سال ۱۳۹۳ که لباس نوکری آستان مقدس تکیه حضرت ابوالفضل (ع) را پوشیدیم و مشغول خدمت شدیم، همیشه با نیاز جدی همشهریان عزیز دامغانی و همچنین، زائران و مسافرانی که برای زیارت یا ادای نماز و یا شرکت در مراسم‌های تکیه حضور پیدا می‌کردند، مواجه بودیم. از آن زمان تکیه می‌خواستند کتاب و یا نوشته‌ای را که مطالبی درباره گذشته تکیه داشته باشد در اختیار آنان قرار دهیم. متأسفانه مکتوبه‌ای در این باره وجود نداشت تا این نوع از درخواست‌ها را اجابت کنیم. با وجود تلاش‌ها و خدمات خوب و ارزنده‌ای که خدامان تکیه انجام داده‌اند، در حوزه معرفی این خدمات و نیز معرفی خدامانی که در این مکان مقدس خدمت کرده‌اند، کوتاهی صورت نگرفته بود. به همین دلیل بر آن شدیم تا این نیاز را در قالب کتابی برآوریم و به دست‌دانش آستان مقدس تقدیم کنیم.

از سویی خدمات ذکرشده در این کتاب، پُر کاهی از نیازان خدمت‌آفرینان عزیز است که خالصانه در این دستگاه خدمت کرده‌اند و از سویی دیگر، این خدمات در مقابل عظمت صاحب این خانه، ناچیز و بی‌مقدار است. امیدواریم معرفی این خدامان عزیز، لطمه‌ای به نیت خالصانه آن‌ها نزده باشد و ما توانسته باشیم بخشی از خدمت انجام شده را منعکس سازیم. از همه عزیزان و خدامان تکیه، به‌ویژه جناب آقای حاج تقی بنائین که ما را در تنظیم این کتاب یاری کردند تشکر می‌کنیم و بابت نواقص آن، عذرخواهی می‌کنیم. اطمینان داریم نظرات مثبت و سازنده شما عزیزان در رفع اشکالات کتاب، مؤثر است و ایرادات آن را اصلاح خواهد رساند. ضمناً از همراهی و همیاری مدیران اداره اوقاف استان سمنان و هیئت امنای دوره ششم تکیه کمال تشکر را داریم.

هیئت امنای دوره پنجم تکیه حضرت ابوالفضل (ع):

حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمود ترابی، سید حسن (کمال) امیراحمدی،

مرتضی علی آبادی، محمد شفائی، علی عالمی

مقدمه

بی که پی‌مودم

مرکز خودم را لایق نمی‌دیدم که روزی خدمات و زحمات خادمان با اخلاص آستان مقدس حضرت ابوالفضل (ع)، در تکیه ابوالفضل دامغان را به تصویر بکشم. خدمت در دستگاه دُرْدانه عالم، سعادت بی‌استثنای آن را به هر کس نمی‌دهند؛ حتی نگاشتن خدمات خادمان این درگاه هم توفیقی نخواهد که شاید آن را به آبروی برادران شهیدم به من دادند. خداوند را شاکرم و این موهبت الهی را برای خودم رد می‌دانم که به لطف پروردگار عالم و نگاه محبت‌آمیز آقا و مولایمان حضرت اباعبدالله السین (ع) و سردار رشید واقعه کربلا حضرت ابوالفضل العباس (ع) نصیبم شده است.

از روزی که تنظیم این اثر را به عهده گرفته‌ام تا این لحظه که گام‌های پایانی کار است، نگرانی و اضطرابی در وجودم رخنه کرده و من از بابت کار بزرگی بود که به من کوچک، واگذار شده بود. اما همواره یک چیز به من و ناامیدی من غلبه داشت و آن هم امید به نگاه کریمانه خاندان عصمت و طهارت و اطمینان از نیت پاک خادمان آستانشان بود که مرا مشتاقانه بر ادامه کار، ثابت‌قدم نگه می‌داشت. ادعا ندارم و احساس هستم، کارم نواقص زیادی دارد؛ و به همین دلیل از خوانندگان محترم تقاضا دارم مرا از ایرادها و پیشنهادهای سازنده خود محروم نفرمایند.

تاریخ‌نگاری و نگارش تاریخ، اصولی دارد که در این مکتوبه به دنبال آن نبودیم. بر اساس تحقیقات صورت گرفته، در میان اسناد اداره اوقاف دامغان و تکیه ابوالفضل (ع)، به‌ویژه کتابخانه آن، با موضوع تاریخچه تکیه حضرت ابوالفضل (ع)، مستند مکتوبی وجود نداشت و اگر هم چنین مستندی در جای دیگر وجود داشت، ما به آن دست نیافتیم. تنها منبعی که ما در اختیار داشتیم و امکان مراجعه به آن بود، انسان‌های وارسته و پیرغلامانی بودند که یا خود خادم این آستان بودند و یا از زبان پدران‌شان مطالبی را شنیده بودند. به همین دلیل، مبنای تنظیم این اثر را تاریخ شفاهی تکیه حضرت ابوالفضل (ع) قرار دادیم و سراغ تمام عزیزانی رفتیم که

اطلاعاتی هر چند اندک در این زمینه داشتند. در این راستا با بسیاری از بزرگان و جاسن سفیدان دامغان و خارج از دامغان ملاقات کردیم و پای صحبت‌ها، خاطرات و سینه‌هایشان نشستیم و آن‌ها را مکتوب و مشترکات آن‌ها را جدا کردیم. وقتی جمله‌ای و یا ادعایی به تواتر می‌رسید، آن را به عنوان یک برگ تاریخی ثبت می‌کردیم و بدین ترتیب تا پایان راه هوشمندانه مواظب بودیم تا فردی در نقض آن سخن نگوید. سپس یافته‌هایمان را در جلسات طریقی با بزرگان و آگاهان شهر در میان گذاشتیم و در نهایت، از مطالب تأیید شده برای تنظیم کتاب استفاده کردیم.

امیدواریم کار موجود، سنگ بنایی باشد تا در نگارش‌ها و چاپ‌های بعدی، با به‌کارگیری نظرات ارزشمند ادیبان و دلسازی‌های محترم شما، این کار تکمیل شود و اثر نابی را برای آیندگان از خود به جای بگذاریم. در خاتمه از هیئت امناء و خادمان مخلص تکیه حضرت ابوالفضل (ع) که در تنظیم این اثر همکاری خوبی به حقیر داشتند تشکر می‌کنم. امیدوارم به برکت نفس زکیه، حضرت سیدالشهدا (ع) ارادتمان را قبول کند و در این دنیا و آن دنیا دستمان را رها نکند.

تابستان ۹۷

جوادفضل عالمی

پیش گفتار

عظمت حضرت ابوالفضل (ع)

نامدارترین فرد در میان لشکر اباعبدالله الحسین (ع)، ابوالفضل العباس (ع) است که پرچمدار و علمدار کربلا است.

او همچون پدرش، حسین (ع) در خاندان عصمت و طهارت رشد یافته و دست پرورده مکتب مولا علی (ع) است. عباس با برادرش حسین (ع)، رابطه‌ای خاص و از نوع مرید و مرادی دارد؛ چراکه ابرش، ام‌الحسین، او را نذر حسین کرده و پدرش علی (ع)، او را «ذُخْرُ الحسینِ فی یومِ عاشُورا» خواند. همواره او را پشتیبانی از برادرش سفارش کرده است. از این جهت است که عباس همواره ادب کرده، پدرش را «مولا» خطاب می‌کند. این دو برادر آن قدر به لحاظ روحی به یکدیگر نزدیک و وابسته‌اند که در روز عاشورا پس از شهادت عباس (ع)، امام حسین (ع) عمق این رابطه و محبت را با جمله حزین «أَلَا إِنَّكَ رَظْهَرِي» به نمایش می‌گذارد؛ جمله‌ای که دل عالم و آدم را می‌سوزاند. این روزگار به او مقام باب‌الحسین نیز داده‌اند.

مشهورترین لقب آن حضرت، «باب‌الحوائج» است. در هر نقطه از دنیا، نام ابوالفضل (ع) گره‌گشاست. قمر منیر بنی‌هاشم تنها باب‌الحوائج شیعه نیست بلکه برای هر انسانی، با هر آیین و مذهبی که به او متوسل شود نیز باب‌الحوائج است. او در هر روز در درگاه حاجات، فرائد از مکتب انسان‌ها عمل می‌کند. مردانگی و جوانمردی در این است که اگر کسی از سر نیاز به شما مراجعه کرد، از دین و آیین او و از مکتب و مرامش سؤال نکنی.

یک هندو ارتباطی با دین اسلام ندارد ولی به حضرت ابوالفضل (ع) متوسل می‌شود و حاجتش را می‌گیرد.

از مریض نمی‌پرسد تو کیستی؟ چه دینی داری؟ و برایش پرونده تشکیل می‌دهد؛ همین که به در خانه‌اش آمده، کفایت می‌کند. برای کریم، ننگ است کسی بر در خانه‌اش بیاید، صدایش بزند ولی او جوابش را ندهد.

هر جا پرچم ابوالفضل (ع) بالا رود، اگر وسط بیابان هم باشد، گرد او جمع می‌شوند. اگر مردم ببینند کسی به دادشان می‌رسد، صدا و ناله‌شان را می‌شنود و به آنان جواب می‌دهد، مه‌چیزشان را فدایش می‌کنند. ابوالفضل (ع) درعین حال که باب الحوائج و گره‌گشا است، بهره‌ای جدی و باصلاّت هم دارد. عباس (ع) یک جنگ‌جوی تمام‌عیار است که همه و به‌ویژه اعیان، از او حساب می‌برند. حتی عرب‌های سنی زمانی که از جلوی حرمش عبور می‌کنند، دستشان را روی سینه می‌گذارند و بادب می‌گویند: «اَلسَّلَامُ عَلَیکَ یا اَبَافَضِل».

پسر اَبَنبِنِ اَکَنانِ با جلال و جبروت و درعین حال مهربان است. در میدان رزم، فرمانده‌ای با صلابت و در جمع مسلمانان سراپا رأفت و محبت است. او مصداق کامل «اَشِدَّاءُ عَلَی الْکُفَّارِ وَ رُحَمَاءُ بَیْنَهُمْ»^۱ است.

ابوالفضل (ع) در مقابل بارش اَدب خاصی دارد. اوج ادب عباس زمانی نمایان می‌شود که وقتی پس از شکافتن لشکر دشمن، به شوره فرات رسید و دست به زیر آب برد، «ذَكَرَ عَطَشَ الْحُسَيْنِ» و آنجا بود که آب را روی آب ریخت و با بی‌تشنه و مشکی پر از آب، به عشق سیراب کردن فرزندان حسین (ع) به‌سوی سیم برید و در همین مسیر برگشت بود که ردای زیبای شهادت را به تن کرد و پس از عمری صلوات بر حسین (ع) با لفظ «یا مولای»، برادرش را خطاب قرار داد که: «یا اَخا اَدْرِکَ اَخاک». همین ادب و کرامت ایشان سبب شده که هر جا نام ابوالفضل (ع) در میان باشد، مردم به ادب می‌نشینند و او را تکریم می‌کنند. افراد در مقابل این کرامت، به اندازه درک و فهمشان و به اندازه توانشان ولو به اندازه اندکی چند حبه قند هم که باشد ابراز ارادت می‌کنند.

این چند حبه قند از جهت مادی ارزش چندانی ندارد، ولی از جهت معنوی یعنی یا ابوالفضل (ع)! تو در دل ما جا داری؛ ما خادم تو هستیم و هر جایی که نام تو باشد، گدازد وجود تو جمع می‌شویم.

جوانمردی و بزرگی او موجب می‌شود مردم به در خانه‌اش بیایند. مردم گرفتار، دنبال کسی می‌گردند که بی‌منت، گره از کارشان بگشاید؛ حتی اگر یک انسان عادی هم، چنین خصلتی

داشته باشد، مردم گرد خانه‌اش جمع می‌شوند. در مقابل، ممکن است کسی ثروت یا مقام اجتماعی داشته باشد ولی کسی در خانه او را نزند. ابوالفضل (ع) قبله‌گاه دل مردم است. هر کس که نمی‌از دریای معرفت ابوالفضل (ع) را چشیده باشد، آجر خانه‌اش را هم می‌برد و آن را به او بگویی بوسیدن آجر شرک و کفر است، خواهد گفت: من به عشق صاحب این خانه، این‌ها را می‌بوسم.

این همانند حکایت چوپان در شعر مولوی است که در مناجات با خدای خویش می‌گوید:

تو کجای باشی من چاکرت چارقت دوزم کنم شانه سرت
حالا تو مرس سوی من یاد بر سرش زنی:

گر نبندی زین سخن نو علی را آتشی آید بسوزد خلق را
خدا می‌شنود و می‌داند که چوپان به می‌گوید؛ ولی سخن او را درک نمی‌کنی. اینجا هم همین است؛ او از این سنگ و چرب، بوی ابوالفضل را استشمام می‌کند؛ که تو درکش نمی‌کنی.

تکیه در لغت و سیر شکل‌گیری آن در ایران

نخست به تعاریفی از تکیه در قاموس‌ها و فرهنگ‌ها اشاره می‌کنیم.

تعریف تکیه

در فرهنگ لاروس واژه «تکیه‌صو» بدین‌صورت آمده است: خانقاه در پیشانی را گویند که مریدان برای دستوریابی از مراد و پاشکستن ریاضت خود و اجرای اعمال صوفیانه در آنجا گرد می‌آیند.^۱

۱- فرهنگ لاروس، تألیف خلیل جر، ترجمه سید حمید طبیبیان، جلد ۱، ص ۶۳۸.

مرحوم علی اکبر دهخدا در «لغتنامه» به نقل از صاحب «غیاث اللغات» می نویسد: لفظ «تکیه» عربی است، به معنی پشت به چیزی گذاشتن؛ به معنای بالش و چیزی که بر آن تکیه زنند؛ حسینه که در آن روضه خوانی کنند، جای روضه خوانی.^۱

دکتر حسن انوری در فرهنگ فشرده «سخن»، درباره کلیدواژه «تکیه» می گوید: تکیه به محل برگزاری مراسم روضه خوانی و سوگواری به ویژه سوگواری امام حسین (ع) و یارانش که معمولاً به صورت چاد هایی در کوچه ها و محله ها برپا می شود گفته می شود.^۲

از آن جمله، تالیف کتاب «فتوت نامه سلطانی» تألیف مولانا حسین واعظ کاشفی سبزواری که خود از تحول عظمی و اعظ مشهور زمانه خویش بود، کتابی به رشته تحریر درمی آید. تنها اثری که ما را هدایت می کند تاریخچه و پیدایش تأسیس و احداث تکیه در ایران، همین یک اثر است.

تکیه از روزگاران گذشت تا به امروز، علاوه بر محل برپایی روضه خوانی، سینه زنی و زنجیرزنی در مناسبت های مذهبی، مکانی برای برپایی مجالس تعزیه و شبیه خوانی بوده است. در اواخر دوره قاجار و خفکان دوره پهلوی پیش و همت مردم مسلمان ایران در حفاظت از میراث امامان معصوم (علیهم السلام) ادامه پیدا کرد. در این زمینه، ساخت مساجد، تکایا و حسینه ها به عنوان پایگاه ترویج و نشر اسلام در شهرهای مختلف ایران رونق بیشتری گرفت.

تفاوت تکیه با حسینه

تکیه محل اجتماع مردم محله برای اقامه عزای اباعبدالله الحسین (ع) است. در تکیه علاوه بر اقامه عزا در دهه محرم، شیوخ و بزرگان محل هم برای شور و مشورت گرد هم جمع می شوند. تکیه و تکیه داری فرهنگ و قواعد خاصی دارد.

حسینه، یک ساختمان، یک سالن سرپوشیده یا یک فضای مسقف است که هیئت سینه زنی یا زنجیرزنی ندارد ولی در آن اقامه عزا می شود. به طور مثال، در مدرسه موسویه

۱- علی اکبر دهخدا، لغتنامه، جلد ۱۵، ص ۸۸۶، چاپ سیروس.

۲- دکتر حسن انوری، فرهنگ فشرده سخن، جلد ۱، ص ۶۵۰، چاپ دهم.

دامغان، یک قسمت از بنای مدرسه به حسینیه اختصاص داده شده که از اول تا دهم محرم، در آن اقامه عزا می‌شود؛ ولی چون دسته سینه‌زنی یا زنجیرزنی ندارد، تکیه نیست.

تکیه ابوالفضل (ع)

در شهرستان دامغان تعدادی تکیه وجود دارد که یکی منسوب به حضرت ابوالفضل (ع) است. برخی تکیه‌ها منسوب به حضرت اباعبدالله الحسین (ع) و فرزندان آن حضرت هستند و برخی از تکیه‌های قدیمی نیز مثل خوریا، درب قلعه، معصوم‌زاده، دباغان، محله‌شاه (محله امام جدید) به نام پادشاه‌های قدیمی شهر نام‌گذاری شده‌اند.

تکیه ابوالفضل (ع) معروف‌ترین تکیه در شهرستان و حتی استان سمنان است. اگر کسی با حضرتش کار داشته باشد، سال او را بر اینجا می‌گیرد. تکیه ابوالفضل (ع) میعادگاه عاشقان آن حضرت است که از هر کوی و برن خود به آنجا می‌روند و به هر طریقی که می‌توانند عرض ارادت می‌کنند.

در شهرستان دامغان، اولین عَلم^۱ در روز سیم محرم به نام علمدار کربلا در تکیه حضرت ابوالفضل (ع) برافراشته می‌شود.

عَلم، کتل و طوق در بیرون تکیه و در منازل بسته شده (جابه شده)، طی تشریفات به تکیه آورده می‌شوند و آنجا جامع می‌شوند. هم‌زمان با جامع کردن عَلم به نام صاحب الزمان (عج) خوانده می‌شود.

وقتی مقدمات کار فراهم شد و نام مبارک حضرت ولی‌عصر (عج) به نیت جاری شد، پرچم‌هایی که تا آن لحظه نیمه‌افراشته بودند، به یک‌باره برافراشته می‌شوند و عَلم موجب دیت می‌کنند.

۱- عَلم: طوق، صله، پرچم و ادوات دیگر عزاداری.

این مراسم از تکیه ابوالفضل (ع) شروع می‌شود و به کل شهر تسری پیدا می‌کند. این سپاه در روز یازدهم محرم، از شهرستان دامغان و روستاهای آن جمع می‌شوند تا در یک مراسم باشکوه، وفاداری‌شان را به مولا و سرورشان حضرت صاحب‌الزمان (عج) نشان دهند.

این که مراسم از خانه حضرت ابوالفضل (ع) شروع می‌شود، رمز و رازی دارد. پرچم باید به دست او باشد. این مقام را مردم به آن حضرت نداده‌اند؛ بلکه خداوند به او عنایت کرده است.

مردم به تکیه ابوالفضل (ع) دامغان حاجت گرفته‌اند؛ بارها و بارها. کافی است با مردمی که به این مکان شریف رفت‌وآمد دارند هم‌کلام شوی تا عمق ارادتشان را ببینی. تکیه ابوالفضل (ع)، معجزه می‌زند؛ در عالم هیچ سنگ و چوبی معجزه نمی‌کند؛ این کرامت ابوالفضل العباس (ع) است که کسی را از خانه‌اش نمی‌راند. او تربیت‌شده مکتب اهل‌بیت است و خدا مقرر کرده که او باب‌الرحمة باشد.

هم‌اکنون شهرت تکیه ابوالفضل (ع) دامغان، مشهوری شده است؛ درحالی که مضجع یا امامزاده‌ای در اینجا وجود ندارد و فقط نام حضرت ابوالفضل (ع)، چنین قداستی به این مکان داده است. افراد زیادی به این تکیه اعتقاد دارند و دورات فراوانی به این مکان داده می‌شود.

حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سید حمود ترابی^۱، قول آقای تقی بنائیان، مدیر اجرایی تکیه از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۹۳، می‌فرمید: «در سال ۱۳۸۴ در ساعات آخر یکی از شب‌ها، یک فرد به دفتر تکیه مراجعه کرد و مبلغ دو میلیون تومان به نقد را به دفتر داد و گفت: من بابت این پول، رسیدی لازم ندارم؛ دوست ندارم این وجه در جایی به نام من ثبت شود؛ این پول را بگیرد و برای تکیه در هرجایی که صلاح می‌دانید هزینه کنید. افراد بسیاری در این سال‌هایی که از عمر تکیه ابوالفضل (ع) می‌گذرد در کسوت‌های مختلف و با افتخار، خادمی این تکیه را نموده‌اند.» حاج‌آقا ترابی همچنین فرمودند: «یکی از افتخارات خدمت در زندگی این است که حدود ۳۰ سال به‌صورت افتخاری عضو هیئت‌امنای این تکیه بوده‌ام. در این مدت، هرگونه راهنمایی یا همکاری که از دستم برآمده، انجام داده‌ام. ان‌شاءالله خداوند

متعال از همه به شایستگی قبول کند و همه خدمت‌گزاران به حضرت اباعبدالله (ع)، با حضرت ابوالفضل (ع) محشور شوند.»

قدمت تکیه ابوالفضل (ع)

دریا، ه قدمت تکیه ابوالفضل (ع) دامغان سه نظریه وجود دارد:

نظریه اول

بعضی از مردم اعداد دارند که قدمت تکیه ابوالفضل (ع) به زمانی برمی‌گردد که مردم شهر شیعه شده‌اند. به‌طور کلی، تاریخ تکیه ابوالفضل (ع) و سایر تکایا، تاریخ حسینی و تاریخ شیعه است. یعنی تاریخ ایجاد تکیه و تاریخ تشیع در ایران را یکی می‌دانند آن‌ها می‌گویند از وقتی که مردم این شهر شیعه شده‌اند، پرچم عزای امام حسین (ع) هم در این مکان برافراشته شده است.

حضور شیعیان در هر جای این عالم، همراه با برافراشته شدن پرچم عزای امام شهیدشان است؛ چراکه شرط شیعه بودن، اعتقاد به حسین بن علی (ع) است. همه ائمه، مقام و منزلتشان معلوم است؛ ولی در میان دوازده امام، یک نفر را سیدالشهدا می‌خوانند؛ همان امامی که خدای تبارک و تعالی نیز ایشان را خون خود (ثارالله) نامیده است.

شیعه مَهر ولایت علی (ع) و فرزندانش را بر پیشانی و مهر آن‌ها را در دل دارد. چراکه راه نجات را در محبت و پیروی از آنان یافته است.

نظریه دوم

بعضی از بزرگان شهر معتقدند محلی که تکیه ابوالفضل (ع) در آن بنا شده است، در طول تاریخ دست‌خوش تغییر و تحول گردیده و همه چیز آن دگرگون شده است. اگر زمین زیر تکیه ابوالفضل (ع) کاوش شود، آثار ساخت‌وساز که مربوط به سالیان پیش است، در آن به چشم

می‌خورد. در گذشته‌های دور زلزله سنگینی این شهر را زیرورو کرده بود که بر اساس آن، گذر شیشه‌گران، زرجو، سراوری و... تخریب شده و گستره شهر کلاً تغییر کرده است. محدوده فعلی، محدوده قدیمی شهر نیست. آیا محله امام همان دروازه شامان قدیم است؟ دروازه خراسان در کدام نقطه از شهر قرار داشت؟ این‌ها سؤالاتی است که کسی پاسخ مستدلی برای آن‌ها ندارد. این گروه می‌گویند قدمت تکیه ابوالفضل (ع) به سالیان پیش برمی‌گردد و کسی از تاریخ

دقیق آن آگاهی ندارد.

نظریه سوم

دسته سوم کسانی هستند که می‌گویند: تکیه ابوالفضل (ع) قدمت زیادی ندارد. به اعتقاد این گروه، بنای این تکیه حداکثر ۱۰ سال عمر دارد.